

# تاریخ نقد جدید

(جلد هفتم)

نقد به زبان‌های آلمانی و روسی و کشورهای  
اروپای شرقی: ۱۹۰۰-۱۹۵۰

رنه ولک

ترجمه سعید ارباب شیرانی



انتشارات نیام در

## فهرست

۹	یادداشت مترجم
۱۱	پیش‌گفتار
۱۳	تذکر
۱۵	درآمد
۲۱	بخش اول: نقد به زبان آلمانی: ۱۹۵۰-۱۹۰۰
۲۵	فصل اول: توماس مان
۴۳	فصل دوم: سمبولیسم در آلمان
۴۳	فریدریش گوندولف
۵۶	ارنست پرترام
۶۰	ماکس کومرل
۸۱	هوگو فون هوفمانستال
۹۷	رودولف کاسنر
۱۰۳	رودولف بورشارت
۱۰۸	هرمان بروخ
۱۲۱	فصل سوم: منتقدان روزنامه‌نگار
۱۲۱	آلفرد کیر و فریدریش زیبورگ
۱۲۵	کازیمیر اشمیت و اکسپرسیونیسم

۳۸۵	فصل دهم: شاعران	۱۲۹	فصل چهارم: سه متفکر
۳۸۵	دمیتری میریشکوفسکی	۱۲۹	زیگموند فروید
۳۹۲	آندرئی بلی (بوریس بوگائف)	۱۳۷	کارل گوستاو یونگ
۳۹۶	آلکساندر بلوک	۱۴۳	مارتین هایدگر
۴۰۵	ویاچسلاو ایوانف	۱۵۳	فصل پنجم: منتقدان ادب پژوه زبان‌های رومیایی
۴۲۲	اوسپ مندیلشتام	۱۵۴	کارل فوسلر
۴۳۱	فصل یازدهم: مارکسیست‌ها	۱۶۰	ارنست روبرت کورتسیوس
۴۳۱	نقد ادبی در زمان لنین و استالین	۱۸۳	اریش آوئرباخ
۴۳۴	گئورگی پلخائف	۲۱۱	لئو اشپیتسر
۴۳۷	ولادیمیر ایلیچ لنین	۲۳۷	فصل ششم: منتقدان پژوهنده در ادبیات آلمانی
۴۴۰	ماکسیم گورکی	۲۳۸	اوسکار والتسل
۴۴۵	لئون تروتسکی	۲۴۲	یوزف نادلر
۴۵۰	والریان پرورزف	۲۴۳	ولفگانگ کایزر
۴۵۵	فصل دوازدهم: تاریخ ادبی نویسی	۲۴۶	امیل اشتایگر
۴۵۹	فصل سیزدهم: فرمالیسم روسی	۲۶۵	فصل هفتم: منتقدان مارکسیست
۴۷۱	ویکتور شکلوفسکی	۲۶۵	آلفرد دوبلین
۴۷۸	باریس آبخنباوم	۲۷۵	والتر بنیامین
۴۸۷	یوری تینیانوف	۳۰۷	برتولت برشت
۴۹۶	باریس توماشفسکی	۳۱۴	گئورگ لوکاج
۴۹۷	فصل چهاردهم: د. س. میرسکی	۳۶۳	بخش دوم: نقد در روسیه
۵۰۵	فصل پانزدهم: میخائیل باختین	۳۷۱	فصل هشتم: نگاه به گذشته
۵۲۹	فصل شانزدهم: رامان یاکوبسن	۳۷۱	نیکولای میخائیلوفسکی
۵۳۷	بخش سوم: نقد در اروپای شرقی	۳۷۴	کنستانتین لئانتیف
۵۳۹	فصل هفدهم: رومان اینگاردن	۳۷۷	واسیلی روزانوف
		۳۷۸	لیف شستوف
		۳۸۱	فصل نهم: فوتوریسم

۵۶۵	فصل هجدهم: چکوسلواکی
۵۶۵	ادب پژوهی و نقد نوین به زبان چکی
۵۸۱	یان موکارژوفسکی: زیباشناسی و نظریه ادبی حلقه زبان شناسی پراگ
۵۹۹	کتاب شناسی ها و یادداشت های مؤلف
۶۱۷	تعلیقات و توضیحات مترجم
۶۶۱	منابع
۶۶۳	واژه نامه
۶۷۷	فهرست نام ها
۶۹۹	فهرست کتاب ها و مقالات و نشریات
۷۱۹	فهرست موضوعی

## یادداشت مترجم

در ترجمه جلد هفتم تاریخ نقد جدید، با ورود شمار کثیر نام های روسی مشکل همیشگی املائی نزدیک به تلفظ بومی نام های خاص دوچندان شد. خوشبختانه تألیف ارزشمند آقای فریبرز مجیدی — فرهنگ تلفظ نام های خاص (تاریخی و جغرافیایی). تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱ — در دسترس علاقه مندان به رفع آشفتگی موجود قرار گرفته است. در این جلد کوشیده ام تا نام ها را حتی المقدور با املائی بنویسم که در این کتاب براساس موازین علمی ضبط شده اند.

\* \* \*

در ترجمه این جلد نیز از کمک های بی دریغ دوستان فاضل ارجمندم بهره مند بوده ام: الطاف استاد ابوالحسن نجفی به حدی بوده است که ذکرش مستلزم تفصیلی بیش از گنجایش این یادداشت است. بیش از نیمی از این جلد به نقد به زبان آلمانی اختصاص یافته است و هر صفحه آن حاوی چندین واژه و عبارت و عنوان جستار و کتاب و احیاناً جمله هایی به زبان آلمانی است. دوست عزیز دیرینم، دکتر فرامرز بهزاد، باز هم با روی گشاده ترجمه این همه را پذیرفت و روزهای بسیار از اوقات ارزشمندش را صرف ترجمه و پاسخ دادن به پرسش های بی پایانم کرد و دین پیشین من به او به اضعاف افزون شد. برادر عزیزم حمید ارباب شیرانی این بار نیز برخی از فصل های کتاب را با دقت همیشگی اش خواند و از پیشنهاد های مفیدش برخوردارم کرد. لطف سرکار خانم مژده دقیقی، که خوانندگان آثار داستانی با ترجمه های شیوایشان آشنا هستند، شامل این جلد هم شد. زحمات ایشان، همچون گذشته، از ویرایش فنی کتاب فراتر رفته است و پیشنهاد های مفیدشان در مواردی به صحت و روانی ترجمه افزوده است. در ترجمه لغات و عناوین جستارها و کتاب هایی که در متن اصلی به زبان های روسی و لهستانی و چکی آمده اند، مدیون کمک های دوستانی در امریکا و انگلستان هستم. سرکار خانم زینب یونسی اطلاعاتی درباره کلاسیسم در



در صفحات بعد، که به بحث درباره فرد منتقدان خواهم پرداخت، توجه را بر اندیشه‌ها و آراء آن‌ها متمرکز خواهم ساخت؛ و تنها در آن موارد به سرگذشت آن‌ها اشاره خواهم کرد که برای درک تغییرات در نوشته‌هایشان ضروری به نظر بیاید. در مواردی فجایع قرن بیستم بر نقد ادبی آلمان چنان تأثیر ژرفی داشته‌اند که مشکل بتوان رویدادهای سیاسی را، که غالباً تعیین‌کننده مسیر تاریخ بوده‌اند، نادیده گرفت. تأثیر پاکسازی‌های ناسیونال سوسیالیست‌ها اندکی پس از ۱۹۳۳ به پژوهندگان و نویسندگان یهودی محدود نبود؛ آن کسانی را نیز که با جریان آب شنا می‌کردند ترغیب یا مجبور کرد که خود را با حال و هوای سیاسی روز تطبیق دهند، زیرا غالباً با خوانندگان یا مخاطبان دانشجویی سر و کار داشتند که با آرمان‌های ناسیونال سوسیالیستی پرورش یافته بودند.

کتاب شرح زندگانی من نوشته بنو فون ویزه<sup>۱</sup> از جمله معدود خاطرات تاریخ ادبی آلمان آن زمان است. این کتاب حاوی شرح صادقانه تصمیم استاد جوانی در دانشگاه ارلانگن<sup>۲</sup> است که در اوایل سال ۱۹۳۳ به این نتیجه رسید که پیوستن به حزب کاری عاقلانه است، و این اقدام در زمان جنگ جهانی دوم او را از خطر مرگ رها نید. شرح کامل سرنوشت مطالعات آلمانی در این زمان، که در موارد عدیده صرفاً در خدمت آرمان نازی‌ها بود، جالب خواهد بود. اما، با در نظر گرفتن اغتشاشات عظیم، برخورد با منتقدانی که طی این سال‌ها توانستند نگرشی منسجم را دنبال کنند و ظاهراً تحت تأثیر اوضاع زمانه واقع نشوند شاید تعجب‌آور باشد. اتریش و سوییس در دو منتهالیه این طیف قرار دارند. هوفوفون هوفمانستال<sup>۳</sup>، رجل اتریشی نمونه، در اواخر حیات کوتاهش با تجزیه امپراتوری اتریش-هنگری مواجه شد. سوییسی‌ها از این اقبال خوش برخوردار بودند که بتوانند فارغ از تأثیر نازیسم به راه خود بروند.

1. Benno von Wiese, *Ich erzähle mein Leben*

2. Erlangen

۳. درباره هوفمانستال ← فصل دوم از همین کتاب.

## فصل اول

توماس مان (۱۸۷۵-۱۹۵۵)

توماس مان نماینده رابطه متقابل نقد ادبی و تغییرات بزرگ سیاسی است. در فضای ملیت‌خواهانه حکومت بیسمارک رشد کرد و پس از آغاز جنگ جهانی اول بدون قید و شرط جانب آلمان را گرفت. فرانسه و تمدن مغرب‌زمین را تقبیح کرد و «آلمانیّت» (*Deutschheit*) را برکشید. کتاب او، تأملات آدمی غیرسیاسی<sup>۱</sup>، شامل مقالاتی که طی جنگ جهانی اول نوشته بود، در ۱۹۱۸ انتشار یافت. پس از اعلام آتش‌بس، به نظام نوپای مردم‌سالاری پارلمانی گروید و سخنگوی نیمه‌رسمی آن شد. در مونیخ، خطاب به جمعی دانشجوی و در حضور فریدریش ابرت<sup>۲</sup> و گرهارت هاوپت‌مان<sup>۳</sup> — رئیس‌جمهور جدید و نماینده‌نویس محبوب — که در صف نخست نشسته بودند، خطابه‌ای ایراد کرد. حاضران بالغ بر یک ساعت به صلایی به مردم‌سالاری گوش دادند که نکته‌هایی از چشم‌اندازهای مردم‌سالاری والت ویتمن<sup>۴</sup> و مسیحیت یا اروپای نووالیس<sup>۵</sup> را، دو متن را که در شرایطی

### 1. *Betrachtungen eines Unpolitischen*

۲. Friedrich Ebert (۱۸۷۱-۱۹۲۵)، دولتمرد آلمانی، صدراعظم و سپس نخستین رئیس‌جمهور دوران جمهوری وایمار.

۳. Gerhart Hauptmann (۱۸۶۲-۱۹۴۶)، نماینده‌نویس آلمانی و برنده جایزه ادبی نوبل در سال ۱۹۱۲.

۴. Walt[er] Whitman (۱۸۱۹-۱۸۹۲)، شاعر و روزنامه‌نگار و جستارنویس آمریکایی. *Democratic Vistas* جستاری است که ضمن آن ویتمن از رواج سطحی‌نگری در حوزه‌های اجتماعی و اخلاقی و فکری در دوران پس از جنگ داخلی آمریکا اظهار نگرانی کرده است. سپس به آینده پرداخته و در آمریکایی که خود را از یوغ تقلید از اروپا رها کرده، پیدایش گروهی هنرمند را پیش‌بینی کرده که آمریکا برای تکمیل بنای «دنیای جدید» به آن‌ها نیازمند است.

۵. Novalis، نام مستعار Friedrich Leopold, Freiherr von Hardenberg (۱۷۷۲-۱۸۰۱)، شاعر و رمان‌نویس رمانتیکی آلمانی. در جستار *Die Christenheit oder Europa* (۱۷۹۹) بر آن است که اروپا باید کلیسای فراگیر جدیدی برپا کند و بکوشد تا وحدت روحانی کلیسای کاتولیکی دوران قرون وسطی را احیا کند.

بسیار متفاوت، با چندین دهه فاصله، و از لحاظ واژگان و موضع فرهنگی کاملاً متفاوت، به رشنه تحریر درآمده بودند، در جای جای آن آورده بود (گفته و پاسخ، ج ۲، ص ۱۱ و بعد).

یازده سال بعد هیتلر به قدرت رسید، و مان آلمان را ترک کرد و سخنگوی مهاجران شد، و در سراسر دوران جنگ با قلم خود و نیز از طریق برنامه‌های رادیویی به تقبیح نظام هیتلری پرداخت. ناخشنود از خط مشی امریکاییان، در سال ۱۹۵۰ از هنری والاس<sup>۷</sup> به مناسبت امضای اعلامیه صلح استکهلم تمجید کرد و به اروپا بازگشت. طی آن سال‌های سرنوشت‌ساز، خود را رجلی می‌دید که مظهر تاریخ آلمان است. در ۱۹۵۲، پس از دو سال اقامت در سوییس و اجتناب بارز از آلمان، به فرانکفورت و سپس به وایمار رفت و خطابه‌ای درباره شیلر<sup>۸</sup> ایراد کرد که به دعوت پرشور به اتحاد مجدد دو آلمان ختم شد.

فعالیت توماس مان در زمینه نقد ادبی فرع کار رمان‌نویسی او بود. تمییز نقد ادبی او از اشتغال خاطرش به نقد فرهنگی و علاقه‌اش به سنخ‌های قومی و تقابل میان فرهنگ آلمانی و فرانسوی بسیار مشکل است. متمایز کردن نقد توماس مان از انبوه اظهارنظرهای غالباً انتقادی او درباره آثار خودش، یا از تمثیل داستانی مورد آلمان — دکتر فاستوس<sup>۹</sup> — یا توضیح مفصل خاستگاه‌های آن در تکوین دکتر فاستوس<sup>۱۰</sup>، و اشارات مستمر آن به صناعات ادبی نیز مشکل خواهد بود. شاید بتوان لوتته در وایمار<sup>۱۱</sup> را نیز نقد ادبی شمرد؛ بی‌تردید متضمن تصویری از گوته است که مان در مواضع دیگر، در مقالات متعددش درباره گوته، با لحنی معمولی‌تر در کانون نقد خویش قرار داده است. داستان ساختگی سفر گوته به وایمار، که مان وقوع آن را در ۱۸۲۲ فرض کرده، البته مستلزم دانش عمیق درباره دوران متأخر گوته و همه اطرافیان او — اکرمان<sup>۱۲</sup>، رایمر<sup>۱۳</sup>، و دیگر هم‌صحبتان گوته — بود.

#### 6. Rede und Antwort

۷. Henry Wallace (۱۸۸۸-۱۹۶۵)، دولتمرد امریکایی، معاون ریاست جمهوری (۱۹۴۱-۱۹۴۵) و نامزد ریاست جمهوری (۱۹۴۸).

۸. Friedrich von Schiller (۱۷۵۹-۱۸۰۵)، نمایشنامه‌نویس و شاعر و مورخ آلمانی ← فصل یازدهم از جلد اول همین تاریخ.

۹. *Doktor Faustus* (۱۹۴۷)، رمانی درباره زندگی غمبار آدریان لورکون، آهنگساز، که نماد سقوط آلمان در جنگ جهانی دوم قرار داده شده است.

#### 10. Die Entstehung des Doktor Faustus

۱۱. *Lotte in Weimar*، رمانی که توماس مان درباره عشق دوران کهنوت گوته و با اقتفا به رمان *اندوه* ورتلر جوانی خود گوته نوشت. این رمان نخست در ترجمه انگلیسی آن در ۱۹۴۰ منتشر شد.

۱۲. Johann Peter Eckermann (۱۷۹۲-۱۸۵۴)، نویسنده آلمانی که دستیار ادبی گوته شد و در تهیه ویراست نهایی آثارش به او کمک کرد؛ کتابی نیز حاوی مکالمات گوته با اطرافیان منتشر کرده است.

مان درباره ماهیت نقد و رسالت آن نظری مشخص دارد. از نظر گاهی نیچه‌وار درباره نقد سخن می‌گوید که در آن مرز میان هنر و نقد مشخص نیست، و متضمن نقدی شاعرانه است (کهنه و نو، ص ۲۷)<sup>۱۴</sup>. همواره بر روش مبتنی بر شرح حال تأکید می‌کند؛ منتقد باید به شخصی که در پشت اثر قرار گرفته، به زندگی و سرنوشت نویسنده بنگرد (گفته و پاسخ، ج ۱، ص ۲۶۴). در موضع دیگری نیز می‌گوید که نقد باید بر شرح حال مبتنی باشد: شرح حال عنصر به واقع انسانی نقد است (کهنه و نو، ج ۱، ص ۲۶۴). در زمینه‌های دیگر از آرتور الویسر<sup>۱۵</sup> به مناسبت تألیفاتش درباره تاریخ ادبیات آلمان تجلیل می‌کند زیرا آکنده از شادی معنوی حیات، ماهیت یا گوهر هر نوع نقد خلاق است (مجموعه آثار<sup>۱۶</sup>، ج ۱۰، ص ۷۲۷). مان خاطر نشان می‌سازد که منتقدان از شاعران نادرترند (کهنه و نو، ص ۲۱۸)، و مقام رفیع اجتماعی نقد در فرانسه او را به شگفتی آورده است. با ادمون ژالو<sup>۱۷</sup> ملاقات کرد و معتقد بود که، حتی در مقام منتقد، در صف نخست مردان ادب پیشه قرار می‌گیرد (مجموعه آثار، ج ۱۰، ص ۷۰۷).

اگرچه نقد نیچه را درباره واگنر «اثربخش‌ترین تجربه زندگی خویش» وصف می‌کند (گفته و پاسخ، ج ۱، ص ۱۲۶)، ظاهراً سیر نقد را در آلمان با دقت دنبال نکرده است. با این حال، ارزست برترام، یکی از اعضای محفل گئورگه<sup>۱۸</sup>، از *وستان صمیمی* او بود و از طریق او با دیگر اعضای آن محفل آشنا شد و نظرهای آن‌ها را درباره تاریخ و نقد ادبی پذیرفت. به‌ویژه از آثار فریدریش گوندولف<sup>۱۹</sup> بسیار تجلیل می‌کند. بعدها دمیتری میریشکوفسکی<sup>۲۰</sup> را کشف می‌کند. او را «منتقد بزرگ روس» می‌خواند (*اصالت روح*، ص ۱۹۲)<sup>۲۱</sup> و از کتابش درباره تالستوی و داستایفسکی، و نیز کتاب دیگرش درباره گوگول تجلیل وافر و کتاب اخیر را «تکان‌دهنده و هیجان‌انگیز» وصف می‌کند (مجموعه آثار، ج ۱۱، ص ۹۴). همواره

۱۳. Reimer، در متن کتاب به همین ترتیب آمده و در فهرست اعلام هم از او ذکری نیست؛ اگر منظور Georg Reimer باشد، ناشر آثار گوته بوده است.

#### 14. Altes und Neues

۱۵. Arthur Eloesser (۱۸۷۰-۱۹۳۸)، پژوهشگر ادبی و روزنامه‌نگار آلمانی؛ مؤلف کتابی درباره زندگانی آثار توماس مان (۱۹۲۵) و نیز ادبیات آلمانی از دوران باروکی تا زمان حاضر (۱۹۱۳/۱۹۳۱).

#### 16. Gesammelte Werke

۱۷. Edmond Jaloux (۱۸۷۸-۱۹۴۵)، رمان و جستارنویس و منتقد فرانسوی؛ به دوران رمانتیسیم آلمانی و نویسندگان انگلیسی علاقه‌مند بود و در ۱۹۳۶ به عضویت فرهنگستان فرانسه انتخاب شد.

۱۸. Stefan George و Ernst Bertram ← فصل دوم از همین کتاب.

۱۹. Friedrich Gundolf ← فصل دوم از همین کتاب.

۲۰. Dmitri Merezhkovsky ← فصل دهم از همین کتاب.

#### 21. Adel des Geistes, 192.